

## امکان سنجی روزآمدسازی معاهده مودت ایران و عربستان

### با محوریت حج بر مبنای حقوق بین الملل معاهدات

محمد صالح تسخیری<sup>۱</sup>

#### چکیده

معاهدات از منظر حقوق بین الملل، ابزاری حقوقی برای تأمین دغدغه‌ها و منافع دولت‌ها از طریق مسالمت‌آمیز به‌شمار می‌آید. معاهدات مودت یکی از گونه‌های معاهدات بین‌المللی است که در زمان حسن روابط سیاسی و دیپلماتیک منعقد می‌شوند، تا در زمان تنش یا چالش برای حل و رفع مسائل فیما بین براساس روش‌های حقوقی (بدون تنش نظامی) به‌کارگرفته شوند. معاهدات مودت دو سطح از منافع را شامل می‌شوند: منافع حاکمیتی دولت‌ها و منافع اتباع طرفین.

از آنجا که یک قرن از تصویب معاهده مودت ایران و عربستان می‌گذرد و این معاهده به نحو شایسته به دو سطح یادشده نپرداخته است، این مقاله ضمن سنجش ضرورت روزآمدسازی این معاهده به این سؤال پاسخ می‌دهد که در صورت توافق طرفین بر به‌روزرسانی این معاهده، داده و ستانده معاهده با محوریت منافع اتباع، به‌ویژه حاجیان ایرانی، چه خواهد بود؟ از این رو با منطقی حقوقی و روشی تحلیلی - توصیفی ابعاد این موضوع بررسی شد.

۱. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران

براساس یافته‌های این نوشتار، تأمین دغدغه حفظ نظم عمومی، احترام به قواعد و مقررات داخلی و تعهد به امداد رسانی، ستانده عربستان و تعهد به منع تبعیض و منع اقدامات تحریک آمیز و نفرت برانگیز علیه اتباع ایرانی و پذیرش رجوع به دیوان دادگستری بین المللی، می تواند ستانده ایران باشد.

**واژگان کلیدی:** حقوق بین الملل معاهدات، همگرایی حقوقی، معاهده مودت، دیوان بین المللی دادگستری، اصل منع تبعیض، معاهدات ایران و عربستان

### مقدمه

دولت‌ها در طول تاریخ برای تنظیم مناسبات و تعاملات میان خود اقدام به انعقاد معاهدات میان دولتی کرده‌اند. شکل اولیه معاهدات بین المللی بیشتر در معاهدات صلح و آتش بس منحصر بود، اما با گذشت زمان و توسعه وسایل ارتباطی میان دولت‌ها، تعاملات حقوقی آنها از این شکل بسیط به سمت موضوعات متنوع دیگر کشیده شد و عملاً معاهدات تجاری، نظامی، فرهنگی و نظایر آنها به دامنه علایق دولت‌ها برای تنظیم روابط فیما بین افزوده شد. (Grotius, 2012: 439) این رشد روزافزون تمایل دولت‌ها به کار بست «معاهده» ناشی از کارآمدی این ابزار حقوقی برای تأمین منافع دولت‌ها در ابعاد مختلف بود.

حاکمیت اصالت اراده در انعقاد معاهدات بین المللی منجر شده است تا دولت‌ها هر آنچه قابل توافق طرفینی باشد، در معاهدات دویا چند جانبه درج کنند و بدین واسطه در مقابل منفعی که به دست می‌آورند، منافع دولت یا دولت‌های دیگر را نیز مد نظر قرار دهند. پایایی معاهدات مبتنی بر همین منطق عقلی در نفع بری و نفع رسانی است و برابری طرفین در میزان نفعی که می‌برند، عامل استمرار حیات معاهده به شمار می‌آید. هرچند که توازن میان نفع طرفین، یک اصل پذیرفته شده در حقوق معاهدات است و نقض فاحش آن، عامل بطلان معاهده محسوب می‌شود (Jing, 2024: 7)، توازن نفع طرفین به معنای تشابه آن نیست. با این بیان که دولت‌ها می‌توانند منافع متفاوتی را برای

طرف‌های یک معاهده در معرض توافق قرار دهند.

در این مقاله به این سؤال پرداخته می‌شود که ایران برای استفاده از ابزار معاهده با عربستان، در راستای تأمین منافع اتباع ایران در موسم حج با چه ملاحظاتی روبه‌رو خواهد بود و با توجه به اینکه میان ایران و عربستان، معاهده مودتی وجود دارد، چگونه می‌توان با روزآمدسازی این معاهده، نفع اتباع ایران، به‌ویژه حاجیان ایرانی، را تأمین کرد؟ نوشتار پیش رو پیش از پرداختن به پیشینه موضوع تعاملات حقوقی بین‌المللی ایران و عربستان به وسیله کاربست معاهدات، به اهمیت معاهده به‌عنوان ابزار همگرایی حقوقی در عرصه حقوق بین‌الملل پرداخته است و پس از آن با تحلیل معاهدات منعقدشده میان ایران و عربستان، ضرورت روزآمدسازی توافقات برمحور منافع اتباع، به‌ویژه حاجیان ایرانی را از منظر حقوق بین‌الملل معاهدات بررسی و واکاوی قرار می‌دهد.

نویسنده در این نوشتار ضمن تبیین گونه معاهدات مودت در منظومه حقوق بین‌الملل، به ابعاد جدید معاهده‌های میان این دو دولت موضوع توازن منافع را بر محور معاهدات مودت بررسی کرده است.

## ۱. معاهدات ابزار همگرایی

از منظر حقوق بین‌الملل، معاهدات ابزار تأمین صلح و امنیت بین‌المللی به‌شمار می‌آید (Dörr and Schmalenbach, 2018: 12 - 13)؛ با این توضیح که هرگاه یک دولتی دنبال رسیدن به یک هدف، سیاست یا نتیجه مشخصی باشد، میان دو راه توسل به جنگ و ابزارهای تنش‌زا و توسل به توافق مخیر است. پیش از تأسیس جامعه ملل، جنگ بین دو کشور از منظر حقوق بین‌الملل ممنوع نبود؛ از این رو سخن گفتن از اختیار دولت‌ها در انتخاب راه حل جنگ یا معاهده مربوط به آن دوره زمانی است.

پس از تأسیس سازمان ملل، توسل به زور یا جنگ از منظر حقوق بین‌الملل ممنوع شد. (O'Connell, 2013: 118).

توافق بین دولت‌ها آنها را به حقوق و تکالیفی ملزم می‌کرد. به این توافق مکتوب، معاهده می‌گفتند. این معاهده به دولت‌ها در وصول به اهداف و سیاست‌هایشان بدون توسل به اقدامات تنش‌زا و قهری مدد می‌رساند. (Nouwen, 2023: 10 - 12) از این روست که مقدمه کنوانسیون حقوق معاهدات مصوب ۱۹۶۹ در عبارات مختلف، با تأکید بر نقش معاهدات در صلح‌سازی بین‌المللی، معاهده را وسیله‌ای برای ایجاد صلح و امنیت بین‌المللی معرفی می‌کند.

حقوق بین‌الملل از طریق ابزار معاهدات تمایل دولت‌ها به هم‌گرایی را فراهم می‌آورد. در مطالعات حقوقی، استفاده از ابزار معاهده به خودی خود نشان از رویکرد هم‌گرایانه بین‌المللی یک دولت به شمار می‌رود؛ همان‌طور که عدم تمایل دولت در به کار بردن ابزار این معاهده، نشان از رویکرد خاص‌گرایانه حقوقی بین‌المللی است. (Koh, 2017: 418) تسری رویکرد خاص‌گرایی حقوقی در خصوص دولت‌هایی که از معاهدات خارج می‌شوند نیز صادق است که به چندپارگی و افتراق حقوقی منجر می‌شود. (Cohen, 2019: 12) آنچه یک دولت خاص‌گرا را از معاهده‌گریزان می‌کند، تعهداتی است که در برابر دولت‌های دیگر برعهده می‌گیرد و آنچه یک دولت هم‌گرا را متمایل به معاهده می‌سازد، منافی است که متقابلاً از دولت یا دولت‌های عضو معاهده دریافت می‌کند.

گاهی یک معاهده در زمان صلح و شرایط عادی محقق می‌شود، اما کاربرد آن در زمان بحران و بروز وقایع اهمیت پیدا می‌کند. (Andrade, 2016: 213) در موضوع اصلی مقاله نیز همین اهمیت مصداق دارد. دولت‌ها همواره برای زائران خود، که ایام حج در عربستان هستند، دغدغه دارند و در اظهارات کتبی و شفاهی و پیام‌هایشان این دغدغه‌شان را اظهار می‌کنند. حال این دولت‌ها می‌توانند از معاهده به عنوان یک ابزار حقوقی معتنابه برای تأمین این دغدغه‌ها بهره‌جویند. لازمه این بهره‌مندی، برنامه‌ریزی در شرایط عادی برای رسیدن به یک معاهده با در نظر گرفتن منافع طرفینی است.

این معاهده می‌تواند به صورت دوجانبه میان یک دولت با عربستان منعقد شود معاهده، توافقی حقوقی مبتنی بر توازن منطقی منافع طرفینی است. با توجه به معاهدات میان ایران و عربستان، ایران می‌تواند با (انعقاد معاهده جدید یا روزآمدسازی معاهدات گذشته)، به صورت بهتر از منافع حاجیان حراست کند. البته در این خصوص باید مقدمات، ملاحظات و اموری را لحاظ کند که نویسنده در مقاله پیش رو به آنها می‌پردازد.

## ۲. میزان بهره‌مندی از معاهدات در روابط ایران و عربستان

پیش از ورود به بحث اصلی جادارد میزان استفاده دو دولت ایران و عربستان از ابزار معاهده بررسی شود. نخستین معاهده مدرن میان ایران و عربستان، معاهده‌ای است با عنوان «عهدنامه مودت منعقدہ بین دولتین ایران و حجاز و نجد و ملحقات (مصوب ۱۳۰۸)». دو ماده نخست از این عهدنامه پنج ماده‌ای به احترام روابط دوستانه و برقراری روابط سیاسی و کنسولی، و دو ماده پایانی نیز به قصد طرفین برای استمرار روابط و زبان عهدنامه اختصاص یافته است. تنها ماده‌ای که می‌تواند هسته اصلی این عهدنامه به شمار آید، ماده سوم است که تصریح می‌کند:

هر یک از طرفین معظمین متعاهدین متعهد می‌شوند که اتباع طرف متعاهد دیگر را در مملکت خود از جمیع حقوق و مزایایی که اتباع دولت کامله الوداد از آن بهره‌مند می‌گردند، برخوردار سازند. حکومت اعلیٰ حضرت پادشاه حجاز و نجد و ملحقات آن متعهد می‌گردد که نسبت به حجاج ایرانی از هر حیث مثل سایر حاجی، که به بیت الله الحرام می‌روند، معامله و رفتار نموده و اجازه ندهند که نسبت به حجاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرایض دینی آنها هیچ‌گونه مشکلاتی ایجاد شود و نیز تعهد می‌نمایند که وسایل امنیت و آسایش و اطمینان آنها را فراهم نمایند.

ماده سوم نفع طرفینی را برای اتباع عربستان و ایران برقرار می‌سازد؛ به‌ویژه اینکه از

شرط «دولت کامله الوداد» نام می‌برد. این شرط یکی از استثنائات اصل نسبی بودن معاهدات به شمار می‌آید. اصل نسبی بودن معاهدات مقرر می‌دارد که یک معاهده صرفاً نسبت به طرفین آن اجرا می‌شود. (Kolb, 2023: 134) اما در صورتی که شرط دولت کامله الوداد در یک معاهده درج شود، طرفین معاهده از منفعتی که یکی از آن دو دولت به دولت ثالث اعطا می‌کند، بدون نیاز به عقد معاهده جدید، بهره‌مند می‌شوند. (Pérez Aznar, 2017: 777 - 780) درج این شرط در عهدنامه مودت ایران و عربستان گویای این نکته است که اگر عربستان، رفتار مناسب‌تری را نسبت به اتباع کشور دیگری روا بدارد و این رفتار را در معاهده‌ای تعهد کند، بدون نیاز به عقد معاهده جدید نیز باید نسبت به اتباع ایرانی این رفتار را به جا آورد. این ماده با تصریح به مناسک حج، حفظ حرمت حجاج ایرانی را شرط می‌کند و در نوع خود و مبتنی بر زمان تصویب، قرارداد مهمی به شمار می‌آمده است.

پس از این معاهده، ایران و عربستان در دو برهه تاریخی دیگر نیز تلاش کرده‌اند که از ظرفیت حقوقی «معاهدات» بهره‌لازم ببرند.

برهه نخست میان سالیان ۱۳۴۵ - ۱۳۴۷ بود. در این برهه علاوه بر انعقاد «موافقتنامه مربوط به حاکمیت بر جزایر فارسی و العربی و تحدید حدود فلات قاره بین ایران و عربستان سعودی (مصوب ۱۳۴۷)»، یکی از گره‌های کور روابط دو دولت در حوزه خلیج فارس نیز حل و فصل می‌شود. در این زمان معاهده دیگری نیز با عنوان «موافقتنامه فرهنگی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عربستان (مصوب ۱۳۴۷)» به تصویب دو دولت می‌رسد. این موافقتنامه با هدف «توسعه روابط فرهنگی»، توافقاتی را در خصوص نشر کتاب، اجرای برنامه‌های فرهنگی، برگزاری نمایشگاه‌ها، تبادل استاد، برگزاری کرسی تدریس زبان، اعزام مأموران فرهنگی و تشکیل کمیسیون مشترک فرهنگی در خود منعکس می‌کند. این موافقتنامه در خصوص اتباع طرفین مفادی ندارد، جز آنکه ماده ششم تصریح می‌کند:

طرفین متعاهدین نشر اطلاعات منطبق با سوابق و حقایق تاریخی و جغرافیایی را در کلیه کتب، من جمله کتب درسی و اسناد و مطبوعات، خود نسبت به کشور متعاقد دیگر ملحوظ خواهند داشت تا اتباع دو کشور تصور ذهنی صحیح درباره کشور یکدیگر تحصیل کنند.

برهه دوم، در سال‌های ۱۳۷۹ - ۱۳۸۶ بود که نتیجه توافق‌های قراردادی (معاهداتی) دو دولت به صورت چهار معاهده در زمینه‌های مختلف بروز و ظهور پیدا کرد. «موافقتنامه حمل و نقل هوایی بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی (مصوب ۱۳۷۹)» و «موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی عربستان سعودی در زمینه حمل و نقل دریایی (مصوب ۱۳۸۶)»، از توافقنامه‌هایی است که در حوزه حمل و نقل هوایی و دریایی میان دو دولت منعقد شدند. علاوه بر این «موافقتنامه همکاری‌های امنیتی میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی (مصوب ۱۳۸۰)» نیز با محوریت مبارزه مشترک با جرایم سازمان‌یافته و مبتنی بر شرایط بین‌المللی زمان توافق به تصویب دو دولت رسید.

«موافقتنامه عمومی همکاری‌های اقتصادی، بازرگانی، سرمایه‌گذاری، فنی، علمی، فرهنگی، ورزشی و جوانان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی عربستان سعودی (مصوب ۱۳۷۹)»، کلی‌ترین معاهده‌ای است که میان دو دولت با موضوعات فراگیر منعقد شده است. این معاهده هشت ماده‌ای در زمینه‌های مختلف به ذکر کلیات همکاری ایران و عربستان کفایت کرده است؛ بدون اینکه منافع اتباع و موضوع مهم حاجیان ایرانی را در نظر بگیرد.

تعداد اندک معاهدات دوجانبه ایران و عربستان گویای این است که این دو دولت در گیرودار دوره‌های متعدد تنش سیاسی، در بسیاری از حوزه‌ها نتوانسته‌اند فهم درستی از ظرفیت ابزار حقوقی «معاهده» برای حل مسائل طرفینی را به دست آورند. (Gaub, 2022: 1 - 4). این دو دولت در معاهدات چندجانبه محدود و نامحدود

متعددی عضویت همزمان داشته‌اند، اما اهمیت در معاهدات طرفینی و دوجانبه است؛ زیرا معاهدات طرفینی به حل مسائل و دغدغه‌های دوطرف معاهده متمرکز می‌شود. علاوه بر این ایران و عربستان نتوانسته‌اند بر حوزه‌های محل توافق توجه درستی را برقرار کنند؛ موضوعی که میان ایران و بعضی دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس، همانند قطر و عمان، به خوبی اجرا شده است و طرفین از ابزارهای حقوقی و فراحقوقی به خوبی بهره‌مند شده‌اند (Zaccara & Mohiddin, 2019: 55 - 56). البته امکان توسعه این تجربه در خصوص عربستان نیز وجود دارد.

هنوز موضوعات مهمی میان ایران و عربستان باقی مانده که به انعقاد معاهده نیازمند است؛ حوزه‌هایی نظیر آنچه در معاهدات مودت، معاضدت قضایی و کیفری، استرداد مجرمان، اقامت و نظایر آنها که دارای پیشینه گسترده‌ای در نظم حقوقی ایران و عربستان است.

ذکر این نکته ضروری است که معاهده در فضای حقوق بین الملل با تعابیر دیگری نیز استفاده می‌شود؛ همانند عهدنامه، موافقتنامه، کنوانسیون، پروتکل، منشور، میثاق و اساسنامه (Klabbers, 2023: 43)؛ به بیان روشن‌تر از منظر حقوق بین الملل طرفین به استفاده نام خاصی برای معاهده خود مکلف نیستند و استفاده از هرکدام از تعابیر فوق، تغییر در ماهیت و احکام حقوقی توافق میان دو دولت ایجاد نمی‌کند.

### ۲. گونه‌شناسی عهدنامه‌های مودت

معاهدات مودت، که با نام‌های مختلفی میان دولت‌ها منعقد شده گونه‌ای از معاهدات است که در زمان صلح و دوستی دو دولت برای نمایاندن میزان حسن و صمیمیت روابط به‌کار گرفته می‌شود. از آنجا که در زمان برقراری روابط دوستانه این معاهدات منعقد می‌شود طرفین می‌کوشند ضمن پوشش دهی به منافع کلان ملی، سطح وسیعی از موضوعات، به ویژه در خصوص اتباع مقیم خاک یکدیگر، را لحاظ

کنند. (Chachko, 2019: 71; Seah, 2015: 10) تاریخ معاهدات گویای آن است که بیشترین فایده معاهدات مودت در زمان مخاصمه، تنش سیاسی یا قطع روابط دیپلماتیک بروز و ظهور پیدا می‌کند (Azizi, 2023: 63)؛ زیرا در این حالات دو دولت دارای بیشترین مشکلات فیما بین هستند و معاهداتی که در زمان روابط حسنه، به توافق دو دولت رسیده است، در این زمان باعث حل تنش‌ها می‌شود.

شاید این ایراد مطرح شود که ایران و عربستان دارای عهدنامه مودت هستند و این کفایت از کار بست معاهدات دیگر می‌کند. در پاسخ به این شبهه باید گفت که معاهده مودت ایران و عربستان در برهه‌ای به امضا رسید که تعداد قابل توجهی از معاهدات مودت دیگر نیز میان ایران و دیگر دولت‌ها منعقد شده بود؛ با این تفاوت که عهدنامه میان ایران و عربستان، فاقد توجه و تمرکز جدی بر مسئله اتباع و حاجیان بود. این در حالی است که در دیگر معاهدات هم‌زمان ایران، مسائل مرتبط با حقوق اتباع در خاک دولت دیگر بیشتر و کامل‌تر تأمین شده بود.

عهدنامه مودت و اقامت بین ایران و مصر (مصوب ۱۳۰۸/۰۳/۰۵) هم‌زمان با عهدنامه مودت عربستان منعقد شد و دارای مواد مشترکی بود. وجه تمایز این دو معاهده در اهتمام عهدنامه مودت ایران و مصر به حقوق منافع اتباع است؛ حقوقی همانند حق کسب و کار، تصرف در اموال منقول و غیر منقول، حق تساوی در برابر قوانین جزایی، حقوقی، تجارتی، اداری و مالیاتی و احکام و مقررات مملکتی همسان اتباع دولت مصر، حق رجوع به محاکم داخلی برای پرونده‌های مربوط به احوال شخصیه، عدم الزام شمول بیگاری اجباری یا تحمیلات نظامی و قرضه‌های اجباری نسبت به اتباع ایران، مجموعه مفادی است که در این عهدنامه در خصوص اتباع لحاظ شده است.

در «عهدنامه مودت و اقامت و تجارت منعقد بین دولتین ایران و دانمارک» (مصوب ۱۳۱۳/۱۰/۲۰)، که چند سال پس از عهدنامه ایران و عربستان منعقد شد، علاوه بر برخی از مواد زیر، طرفین تعهد کرده‌اند که با اتباع دولت معاهد مبتنی بر «اصول و

معمول حقوق عمومی بین الملل» رفتار شود. این عبارت در حقیقت به معنای ارتقای جایگاه شهروند ایرانی در دانمارک بود؛ زیرا در زمان انعقاد این معاهده مباحثی میان دولت ها در خصوص کف حمایت از شهروندان خارجی مطرح بود. به بیان روشن تر این سؤال محل مناقشه اساتید حقوقی و سیاستمداران بود که یک فرد خارجی، آیا باید از حداقل حقوق شهروندی بهره مند باشد یا باید مبتنی بر معیارهای بین المللی (حقوق بشر) با آنها تعامل داشت؟

طبق بر رویکرد سیاسی (صوابدید سیاسی) برخورداری بیگانگان از حقوق بشر مبتنی بر صلاح دید حاکمیتی دولت میزبان است (Borchard, 1940: 445 - 446; Bo-)؛ در حالی که طبق رویکرد اخلاقی - فلسفی، تمامی آحاد ساکن در یک کشور به دلیل تعلق حقوق بشر به ذات انسانی، از حقوق بشر یکسانی برخوردار هستند و تفاوتی میان تبعه دولت و بیگانگان مقیم وجود ندارد. (Johnston et al., 2015: 17; Taran, 2001: 5 - 6) از این رو عبارت یادشده از ماده چهار عهدنامه مودت ایران و دانمارک گویای توافق بر سطح مطلوبی از تعامل با شهروندان خارجی در زمان انعقاد این معاهده به شمار می آید.

علاوه بر این حق مسافرت و نقل و انتقال آزادانه، رعایت شرط دولت کامله الوداد در امور مربوط به اقامت، تساوی در پرداخت مالیات و عوارض همسان با شهروندان دانمارکی، حمایت از شرکت ها، حمایت از تولیدات تولیدکنندگان داخلی، آزادی دریانوردی کشتی های طرفین و حل مسائل طرفینی، از جمله مفادی است که این معاهده مازاد بر معاهده مودت ایران و مصر دارد. در عهدنامه اقامت و تجارت و بحریمایی منعقد بین دولتین ایران و سوئد (مصوب ۱۳۰۸/۰۴/۰۶)، حقوق اربیه و مالکیت، مسائل مربوط به وجه الضمان، استرداد مقصرین، عدم محدودیت نسبت به صادرات و واردات و تصدیق صحت تصدیق نامه های تجارته را مد نظر قرار می دهد. بررسی های فوق گواه از آن است که معاهده مودت ایران و عربستان حتی در زمان

انعقاد آن از ظرفیت‌های معاهدات گونه مودت بهره‌مندی لازم را نبرده است. این درحالی است که معاهدات مودت در یک سده اخیر توانسته‌اند، حجم عظیمی از تنش‌های بین‌المللی را از طریق ابزار حقوقی حل و فصل کنند و بر تأمین منافع دولت‌ها متمرکز شوند. (Lazhar, 2023: 1309) عموماً این معاهدات با تکمیل مفاد معاهدات دیپلماتیک و کنسولی می‌کوشند (1: Gaub, 2022) تا اتباع مقیم خاک دولت مقابل (موقت یا دائم) را تحت پوشش حمایتی حقوقی خود قرار دهند تا میزان آسیب‌پذیری آنها در برابر دولت میزبان کاهش یابد؛ موضوعی که در معاهده مودت ایران و عربستان به شدت کم‌رنگ و کم‌حجم به آن توجه شده است.

#### ۴. داده و ستانده عهدنامه مودت جدید

معاهدات بین‌المللی همانند قراردادهای داخلی از منطق داده و ستانده برخوردار هستند. البته باید متذکر شد که در حقوق بین‌الملل، معاهدات به اقسام مختلف - همانند در حکم قانون (قانون‌ساز) و قراردادی، دوجانبه، چندجانبه محدود و نامحدود و نظایر آن - تقسیم می‌شود و در هر کدام از آنها داده و ستانده و منطق حاکم بر آنها متفاوت است. در معاهدات دارای ماهیت قراردادی، به ویژه معاهدات دوجانبه و چندجانبه محدود، آنچه موجب می‌شود معاهده دوام و قوام پیدا کند، نفع طرفینی متوازن است. در حقوق بین‌الملل توازن منطقی میان داده و ستانده یک معاهده اهمیت اساسی دارد؛ به‌گونه‌ای که معاهداتی که طرفین از نفع نابرابر برخوردار باشند، از منظر حقوق بین‌الملل باطل است. (Belmessous, 2022: 4 - 5).

معاهدات نابرابر در حقوق معاهدات بین‌المللی آنچنان مذموم هستند که اگر قابل اصلاح نباشد، باعث بطلان معاهده می‌شود. (Jing, 2024: 7). نتیجه چنین منطقی در حقوق معاهدات آن است که میان داده و ستانده طرف‌های یک معاهده، نفع طرفینی متوازن برقرار باشد.

با توجه به اینکه ایران و عربستان از ظرفیت معاهده مودت به صورت شایسته و بایسته بهره نبرده‌اند، نویسنده دنبال طرح این ایده است که با گذشت قریب به یک قرن از معاهده مودت بین این دو کشور و تغییر شرایط و اقتضائات راهبردی آنها، نوبت به روزآمدسازی این معاهده فرارسیده است.

معاهدات مودت در زمان حسن روابط سیاسی برای رفع چالش‌های آتی با استفاده از ظرفیت‌های حقوقی منعقد می‌شود. در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ شمسی، جمهوری اسلامی ایران و عربستان یک دهه مناسبات سیاسی و نظامی پرتنش را تجربه کردند. (Tzemprin, 2015: 193) در این برهه سفارتخانه هردو کشور بسته شد و مواضع مقامات هر دو دولت به صراحت حکایت از ناپسامانی روابط داشت. این موضوع به ویژه با وقوع فاجعه منافشار بر اقلیت‌ها، نامالایمات رفتاری با حاجیان ایرانی، ورود عربستان به جنگ بلندمدت با یمن و حمایت کلی ایران از یمن، رو به تشدید بود (Ahmed & Akbarzadeh, 2020: 7 - 8) تا اینکه دو دولت بنا بر راهبردهای کلان خود روابط را به صورت عادی برگرداندند و با بازگشایی سفارتخانه‌ها، تبادل هیئت‌های دیپلماتیک و حضور مقامات عالی‌رتبه طرفین در خاک همدیگر، به سمت روابط دوستانه قدم برداشتند.

در حال حاضر، که روابط سیاسی دو دولت در وضعیت مساعدی به سر می‌برد، طرفین امکان انعقاد معاهده‌ای جدید در گونه معاهدات مودت را خواهند داشت. بخش معتناهایی از معاهدات مودت به مسائل حکومتی میان دو دولت - از جمله روابط دیپلماتیک و کنسولی، اقتصادی و تجاری، فرهنگی و امور مرزی - اختصاص دارد. (Roshchin, 2017: 255 - 256); دولت‌ها در این برهه می‌کوشند که مباحثی کلی را مطرح سازند تا مقدمه‌ای برای انعقاد موافقت‌نامه‌ها و معاهدات تفصیلی مکمل بعدی باشد؛ چراکه توافق‌های مربوط به مسائل اقتصادی، فرهنگی و نظایر آنها دارای جزئیات فنی و تکنیکال است. بنابراین معاهدات مودت صرفاً به بیان کلیات در این خصوص

بسنده می‌کنند و توافق اولیه دو دولت برای انعقاد معاهدات تفصیلی بعدی است. معاهدات مودت علاوه بر مسائل حکومتی به موضوعات مربوط به اتباع (اشخاص حقیقی و حقوقی متبوع دولت) نیز می‌پردازند. (Dhakal, 2023: 204 - 206). در صورت تفاهم برای انعقاد معاهده جدید، این معاهده می‌تواند رویکرد متفاوتی از معاهده پیشین در التفات به مسائل مرتبط با اتباع را به نمایش بگذارد. با توجه به تمرکز این مقاله به مسئله اتباع، نویسندگان در این نوشتار ضمن گریز عامدانه از مسائل حکومتی بر مدار مسائل مرتبط با اتباع، به ویژه در زمان حج، داده و ستانده عهدنامه جدید را ابعادسنجی می‌کند.

### الف) ستانده عربستان

اهتمام به عدم خدشه و اختلال در نظم عمومی، در رأس مطالبات دولت عربستان نسبت به دولت‌ها و اتباع آنهاست. این خواسته در مواضع رسمی دولت عربستان همواره تصریح شده است و هر آنچه تفسیر دولت عربستان از نظم عمومی را خدشه‌دار کند، تحمل نخواهد شد. (Middleeasteye, 2024) معاهدات مودت می‌کوشد که تعهدی طرفینی برای رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه در خود درج کند. اما با توجه به حضور بیشتر اتباع ایرانی در عربستان به مناسبت برگزاری حج تمتع و عمره، این تعهد نفع بیشتری را برای طرف عربستانی فراهم می‌آورد. البته نظم عمومی به صورت منطقی باید موضوع یک تعهد قرار گیرد، از این رو اسناد بین‌المللی می‌کوشند تا برقراری نظم عمومی را در چارچوب حقوق بین‌الملل تکلیف کنند تا این مفهوم کلی به دستاویزی برای فشار علیه یک طرف و اتباع آن تبدیل نشود. (Engberg & Heller, 2008: 148 - 150).

احترام به قواعد عمومی، دومین موضوعی است که دولت‌های میزبان بیگانگان همواره آن را مطالبه می‌کنند. یکی از ستانده‌های عربستان در معاهدات نظیر، رعایت قوانین مرتبط با قواعد عمومی است. عربستان پذیرای حجم وسیعی از اتباع

خارجی است و در الزام آنها به قوانین داخلی به شدت مُصرّ و سخت گیر است. (Van Eijk, 2010: 169 - 175). عموم معاهداتی که به موضوع احترام اتباع بیگانه به قواعد عمومی داخلی می پردازند، قواعد عمومی را به قواعد مرتبط با ایمنی و امنیت، گمرک و مالیات، بهداشت عمومی و قوانین مالی منصرف می دانند (Gkikas, 2020)؛ به بیان روشن تر دولت ها تعهد می دهند که اتباعشان در خاک دولت مقابل به قوانین و مقررات مرتبط با ساحات یادشده احترام بگذارند. در مقابل نیز دولت میزبان متعهد می شود که در صورت نقض قواعد، قوانین و مقررات یادشده توسط اتباع دولت مقابل، دادرسی عادلانه و برخورداری شایسته از حقوق متهمین و محکومین را برای آنها در نظر بگیرد.

سومین نفعی که دولت عربستان در روزآمدسازی معاهده مودت می تواند از ایران به دست آورد، التزام ایران به امدادرسانی فوری است. امدادرسانی فوری در دو بخش از حقوق بین الملل منشأ عرفی دارد؛ به بیان روشن تر تعهدات موجود در حقوق بین الملل یا ریشه قراردادی (معاهداتی) دارند و طرف های یک معاهده باید بدان عمل کنند، یا ریشه عرفی که در این صورت تمامی دولت ها به انجام آن مکلف هستند. تعهد به امدادرسانی در ساحت حقوق بین الملل دریاها و حقوق بین الملل بشردوستانه ریشه عرفی دارد. حقوق بین الملل عرفی دولت ها را به امدادرسانی به آسیب دیدگان در آب ها، گم شدگان و نظایر آنها مکلف کرده است (O'Brien, 2011, 721 - 5; Taumant, 2000, 468)؛ علاوه بر این در ساحت حقوق بشردوستانه، که همان حقوق حاکم بر مخاصمات مسلحانه به شمار می آید، دولت ها مکلفند که به افراد آسیب دیده ای که در وضعیت بغرنج به سر می برد، کمک های بشردوستانه خود را با فوریت برسانند. (Henckaerts, 2005: 396)

در موضوعاتی خارج از حقوق بشردوستانه و حقوق دریاها برای الزام یا التزام به امدادرسانی باید از ابزار معاهده استفاده کرد؛ زیرا در دیگر حوزه ها، تعهدی مبتنی بر حقوق بین الملل عرفی وجود ندارد. در زمان وقوع فاجعه منایکی از موضوعاتی که در خصوص ممانعت از تکرار چنین سوانح ناگواری مطرح شد، وجود تعهد و حق «امدادرسانی فوری»

بود؛ به این تعهد باید به صورت جامع توجه شود و امداد رسانی، چه در زمان سوانح و حوادث طبیعی و چه در موارد انسان ساخت، را شامل شود (Kent, 2014, 214)؛ این گونه تعهد به معنای متعهد شدن دولت‌ها به امداد رسانی فوری به عربستان و تکلیف این دولت به پذیرش چنین امداد رسانی انسانی از دیگر دولت‌هاست. از آنجا که عربستان میزبان تعداد قابل توجهی از حاجیان است، وجود چنین تعهد دوطرفه‌ای هم برای او مطلوب است و هم برای دولتی که اتباعش در عربستان به سر می‌برند.

### ب) ستانده ایران

عهدنامه مودت در مقام تأمین حقوقی منافع اتباع ایران در دو سطح جزئی و کلی باید حل مسئله کند: در سطح کلی، نخستین محور تمرکز این عهدنامه باید بر موضوع حقوقی بین‌المللی «عدم تبعیض» مستقر شود. نفی تبعیض و برقراری برابری، اندیشه محوری بسیاری از موضوعات حقوق بین‌الملل در حقوق بشر، حقوق تجارت و نظایر آنهاست. (Bayefsky, 2015: 34). در بهره‌مندی اتباع بیگانه از حقوق و تکالیف، نخستین سنجه حقوق بین‌المللی عدم تبعیض است. تبعیض در بهره‌مندی از حقوق و الزام تکالیف متفاوت با التزامات دولت‌ها در معاهدات بین‌المللی مغایرت دارد. (Sirait & Permatasari, 2018: 233). شکل بروز این تبعیض، رفتار نابرابر در موضوع واحد برای اتباع دولت‌های مختلف است.

عدم رعایت برابری برای اتباع دولت‌های مختلف به نقض ثانویه تعهد بین‌المللی دیگری به نام رفتارهای نفرت‌برانگیز منجر می‌شود. دولت‌ها در اسناد حقوق بشری متعهد شده‌اند از انجام دادن رفتارهای نفرت‌برانگیز در برابر افراد انسانی (و نه دولت‌ها) امتناع کنند. (Khater, 2024: 73). ریشه اولیه این تعهد در خصوص عمل دولت‌ها در برابر اتباع خودشان است و انجام دادن اقدامات نفرت‌برانگیز از منظر حقوق بین‌الملل کیفی، جنایت به‌شمار می‌آید، اما از آنجا که حج عرصه حضور تعداد بی‌شماری از افراد دارای علقه‌های مذهبی،

زبانى، نژادى و قومى است، تحريك ساختن جمعيت هاى مذهبى، زبانى، قومى و نژادى آثارى همسان با برانگيختن احساسات اتباع خود را به همراه مى آورد؛ در نتيجه با تنقيح مناط مى توان عنوان حقوقى «جنائت» را بر اقدامات نفرت برانگيز در خصوص اتباع بيگانه نيز تسرى داد؛ به ويژه اينكه اين موضوع در رويه كميته حقوق بشر نيز داراى سابقه است. (Timmermann, 2006: 55) هرچند كه عربستان منع اقدامات نفرت برانگيز را در قوانين داخلى خود جرم انگارى كرده است (Muntarbhorn et al., 2021: 5). اما اخذ تعهد به رفتار برابر و غير تبعيضى آميز و تعهد به اجتناب از رفتارهاى نفرت برانگيز مى تواند تعهد طرفينى نخستينى باشد كه نفع بيشترى را براى اتباع ايران به همراه آورد.

دومين موضوعى كه نفع كلان ايران را به همراه خواهد آورد، تعبيه روشى براى رجوع به شيوه هاى حقوقى حل و فصل مسالمت آميز اختلافات بين المللى است. در حقوق بين الملل، دو شيوه حقوقى وجود دارد: داورى و دادگستري. داورى شيوه اى است كه طرفين با انتخاب داورانى، حل اختلاف را به دست آنها مى سپارند. (Merrills, 2017: 89 - 88) از آنجا كه نهاد داورى پيش از دادگستري در حقوق بين الملل به وجود آمد، رجوع به داورى در معاهدات مودت قدمت بيشترى دارد. ماده ۱۶ عهدنامه مودت ايران و دانمارك مقرر مى دارد:

طرفين متعاهدين موافقت مى نمايند كه كليه اختلافاتى را كه بين آنها در موضوع اجرا يا تفسير مقررات كليه عهود و قراردادهاى منعقد شده يا عهود و قراردادهاى كه منعقد گردد، و من جمله راجع به همين عهدنامه به ظهور برسد و تسويه دوستانه اختلافات مزبوره به وسايل سياسى عادى در مدت متناسبى ممكن نگردد به حكمت رجوع نمايند.

اين ماده به تنهائى قريب به دو صفحه مفاد دارد و در آن، نقش كليدى به «ديوان داورى بين المللى لاهه» به عنوان مرجع حكمت سپرده شده است. عهدنامه مودت ايران و سوئيس با تكرر اين مفاد به «اجراى مندرجات پروتكل مربوطه به صلاحيت

اجباری دیوان داوری دائمی {لاهی} بین‌المللی، مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۲۰» توسط هر دو دولت تأکید می‌کند.

بعدها با تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری، علاوه بر داوری، شیوه قضاوت بین‌المللی نیز در حقوق بین‌الملل به وجود آمد. در دادگستری طرفین قضاوت را انتخاب نمی‌کنند، بلکه صرفاً دعوی را برای حل و فصل حقوقی به یک مرجع قضاوت در سطح بین‌المللی ارائه می‌دهند. (Tanaka, 2018: 128 - 131) ایران از منظر رجوع به دادگستری، سرآمد دولت‌های آسیایی به‌شمار می‌آید. پنج پرونده ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری به شیوه حقوقی حل و فصل شده است. این پنج پرونده عبارتند از: «پرونده شرکت نفت ایران - انگلیس»<sup>۱</sup> در خصوص ملی‌سازی صنعت نفت، «پرونده کارکنان دیپلماتیک و کنسولی آمریکا در تهران»<sup>۲</sup> در خصوص تسخیر لانه جاسوسی، «پرونده حادثه هوایی ۱۹۸۸»<sup>۳</sup> در خصوص شلیک ناو وینسنس به هواپیمای ایرباس ۶۵۵، «پرونده سکوه‌های نفتی»<sup>۴</sup> در خصوص حمله به سکوه‌های نفتی ایران و «پرونده برخی اموال ایران»<sup>۵</sup> در خصوص نقض مصونیت اموال بانک مرکزی.

پرونده اول به اختلاف میان ایران و انگلیس مربوط می‌شود و مابقی میان ایران و آمریکا است. علاوه بر این، در حال حاضر سه پرونده دیگر با عناوین «پرونده نقض

1. Anglo-Iranian Oil Co. (United Kingdom v. Iran), Judgment of 22 July 1952
2. United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States of America v. Iran), Judgment of 24 May 1980
3. Aerial Incident of 3 July 1988 (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Application instituting proceedings 17 May 1989
4. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment of 12 December 1996
5. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment of 13 February 2019

ادعایی معاهده مودت، روابط تجاری و حقوق کنسولی ۱۹۵۵»<sup>۱</sup> (ایران علیه آمریکا)، «پرونده نقض ادعای مصونیت‌های دولتی»<sup>۲</sup> (ایران علیه کانادا) و «حادثه هوایی ۲۰۲۰»<sup>۳</sup> (انگلیس، کانادا، سوئیس و اکراین علیه ایران) برقرار است.

مبنای طرح دعوا در چهار پرونده از هشت پرونده فوق، وجود ماده‌ای در معاهده مودت، درباره روابط تجاری و حقوق کنسولی میان ایران و آمریکا است که در آن طرفین توافق کرده‌اند که در مشکلات بغرنج مربوط به معاهده، به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند. این ماده و این معاهده در زمان صمیمیت سیاسی میان نظام سیاسی ایران و آمریکا محل توافق طرفین قرار گرفته‌اند، اما بیشترین کاربرد آن در زمانی بروز و ظهور پیدا می‌کند که طرفین در وضعیت قطع روابط دیپلماتیک و تنش سیاسی به سر می‌برند. رجوع به دیوان بین‌المللی دادگستری مبتنی بر معاهده مودت ایران و آمریکا در پرونده‌های مختلف، به ویژه در پرونده «برخی اموال ایران»، توانست حجم قابل توجهی از غرامت را به نفع شرکت‌ها و اتباع ایرانی جلب کند.

رویه ایران، به ویژه بعد از انقلاب اسلامی، رجوع به دیوان بین‌المللی دادگستری برای حل مسائل مختلف و بغرنج است. این رویه گویای اعتقاد و اهتمام سیاست‌گذار کلان ایران به حل مسائل مهم از طریق رجوع به شیوه‌های حقوقی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات است. با وجود اینکه ایران در معاهدات مودت خود از رجوع به داوری سخن به میان آورده بود، در معاهده مودت ایران و عربستان، اشاره‌ای به هیچ‌کدام از روش‌های حقوقی نشده است؛ این در حالی است که در روزآمدسازی این معاهده می‌توان یکی از

1. Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America)
2. Alleged Violations of State Immunities (Islamic Republic of Iran v. Canada)
3. Aerial Incident of 8 January 2020 (Canada, Sweden, Ukraine and United Kingdom v. Islamic Republic of Iran)

دو راه حل یادشده را به کار گرفت.

سطح دیگر از تأمین منافع ایران، تأمین دغدغه‌های جزئی اتباع و حاجیان است. در این سطح ایران می‌تواند علاوه بر آنچه در معاهدات مودت دیگر وجود دارد، مهم‌ترین دغدغه‌های مربوط به ورود و خروج، اسکان، تبادلات مالی و نظایر آنها را در زمان اقامت در عربستان در نظر قرار دهد؛ برای مثال در عهدنامه مودت عربستان و چین مصوب ۱۹۴۷ چنین توافق شده است:

طرف‌های معظم متعهد موافقت کرده‌اند که اتباع هر یک از طرفین، که در قلمرو طرف دیگر مقیم هستند یا مسافرت می‌کنند، از لحاظ حمایت از افراد و دارایی‌های خود، از رفتار ترجیحی کشورهای اول برخوردار خواهند بود. (ماده ۴)

همچنین ماده ۵ این معاهده مقرر می‌دارد:

دو طرف معظم متعهد توافق کردند که در صورت فوت یکی از اتباع هر یک از طرفین معظمین متعهد در قلمرو طرف دیگر و نداشتن قیم قانونی برای مراقبت از جسد وی، اجساد پس از آن تحویل شود. با انجام تشریفات قضایی خاص، به نزدیکترین افسر کنسولی کشورش برای تحویل آنها به وارث قانونی خود.

دولت عربستان در خصوص ارجاع به داوری و دادگستری مقاومت دارد و در بسیاری از معاهدات دارای مقرر رجوع به داوری و دادگستری از تحفظ (حق شرط) استفاده می‌کند. (Saudi Arabia Reservation, 2003) اما این بدان معنا نیست که مذاکره‌کننده ایرانی از این مهم ناامید شود. با توجه به تجربه پرتکرار ایران در رجوع به دیوان دادگستری یا داوری بین‌المللی، به نظر می‌رسد که رجوع به راه‌های حقوقی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی حتماً باید مدنظر قرار گیرد و در منظومه مطلوبیت‌های طرف ایرانی باقی بماند.

## نتیجه

معاهدات از منظر حقوق بین الملل، ابزاری صلح آمیز برای حل مسائل میان دولت ها به شمار می آید. در یک سده اخیر توجه به این ابزار حقوقی روبه فزونی است و دولت ها تلاش کرده اند در موضوعات مختلف به صورت دو یا چند جانبه از این ابزار حقوقی استفاده کنند. یکی از انواع و گونه های معاهدات، معاهدات مودت است. معاهدات مودت در زمان صمیمت سیاسی و حسن روابط دیپلماتیک و در خصوص طیف گسترده ای از موضوعات منعقد می شود و دولت ها با استفاده از این دسته از معاهدات، منافع طرفینی خود را محل توافق قرار می دهند. معاهدات مودت عمدتاً دو قسم از منافع حکومتی و منافع اتباع دولت ها را در کنار هم تأمین می کند.

تاریخ استفاده از معاهدات برای تنظیم مناسبات میان ایران و عربستان، گویای آن است که طرفین به این ابزار حقوقی التفات کامل و لازم را نداشته اند. ایران و عربستان در دو برهه تاریخی تعداد انگشت شماری از معاهدات را منعقد کرده اند که این معاهدات توجه و تمرکز لازم را در خصوص منافع اتباع طرفین مبذول نکرده اند. با وجود انعقاد معاهده مودت میان ایران و عربستان در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی، این معاهده کارایی لازم را برای تأمین دغدغه های مربوط به اتباع، به ویژه حاجیان ایرانی را در خود منعکس نمی کند. از این رو با گذشت بیش از صد سال از عمر این معاهده و تغییر شرایط در جهات مختلف، می توان ایده روزآمدسازی این معاهده مبتنی بر منافع طرفین را مطرح ساخت. معاهده جدید می تواند تعهداتی را با محوریت حفظ نظم عمومی، احترام به قواعد عمومی و التزام به امداد رسانی فوری به نفع عربستان ایجاد کند. همچنین می تواند تعهداتی را با محوریت منع تبعیض و اقدامات نفرت برانگیز و رجوع به روش های حقوقی حل و فصل اختلافات بین المللی را به نفع طرف ایرانی برقرار سازد.

با توجه به گذشت سالیان دراز از عمر معاهدات مودت بین ایران و عربستان، این دو دولت می توانند طرحی نو در میان معاهدات مودت بیندازند و معاهده نوینی را

بازتولید و بازتوافق کنند؛ معاهده‌ای که به دلیل نیازمندی ایران به ارائه قواعدی برای حکم‌فرمایی بر مناسبات دولت عربستان با حجاج ایرانی، می‌تواند به الگویی برای دیگر دولت‌های اسلامی تبدیل شود و معاهدات را به عنوان ابزار همگرایی در موضوع حج به‌کانون توجهات حقوقی - دیپلماتیک دولت‌های درگیر در موضوع حج مبدل سازد.

### منابع:

1. Ahmed, Z. S., & Akbarzadeh, S. (2020). Pakistan caught between Iran and Saudi Arabia. *Contemporary South Asia*, 28 (3), 336 - 350.
2. Andrade, A. S. (2016). Treaty of Amity, Commerce, and Navigation Between Brazil and the US. *The University of Miami Inter - American Law Review*, 47 (2), 200 - 219.
3. Azizi, Sattar (2023). Legal Consequences Arising from Us International Responsibility for Violations of the Treaty of Amity. *Iranian Journal of International and Comparative Law*, 1 (2), 61 - 75.
4. Bayefsky, A. F. (2017). The Principle of Equality Ornon - Discrimination in International Law. In *Equality and Non - Discrimination under International Law* (pp. 71 - 104). Routledge.
5. Belmessous, Ming. (2022). What is a colonial treaty? Questioning the visible and the invisible in European and non - European legal negotiations. *Comparative Legal History*, 10 (2), 137 - 171.
6. Borchard, Edwin. (1940). The "Minimum Standard" of the Treatment of Aliens. *Michigan Law Review*, 38

- (EUISS).
14. Gkikas, Nikolaos P. (2020). Sanitary Jurisdiction of coastal and port States: A discussion on conflicting interests and reconciliation mechanisms (Master's thesis, UiT Norges arktiske universitet).
  15. Grotius, H. (2012). Hugo Grotius on the law of war and peace. Cambridge University Press
  16. Henckaerts, Jean-Marie, and Carolin Alvermann (2005). Customary international humanitarian law (Vol. 1). Cambridge University Press.
  17. Jing, M. (2024). How "unequal treaties" influenced commission competence: a new perspective on the United Nations Convention on the Law of the Sea (Part XV) in the Timor Sea Conciliation. *Frontiers in Marine Science*, 11, 1503259.
  18. Johnston, N. P., Janz, N., & Mahdavi, P. (2015). How taking from foreigners affects domestic human rights. *Blavatnik School of Government (BSG) Working Paper BSG - WP - 2015/004*, BSG Working Paper Series.
  19. Kent, George, 2014, Short Paper Rights and obligations in international humanitarian assistance, *Emerald Journal*, Vol. 23, No. 3, 2014, pp. 214 - 221.
  20. Khater, Maya (2024). Insulting (4), 445 - 461.
  7. Botha, Henk. (2013). The rights of foreigners: dignity, citizenship and the right to have rights. *South African Law Journal*, 130 (4), 837 - 869.
  8. Chachko, E. (2019). Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America): Request for the Indication of Provisional Measures (ICJ). *International Legal Materials*, 58 (1), 71 - 119.
  9. Cohen, Harlan Grant. (2019). Fragmentation. In *Concepts for International Law* (pp. 315 - 327). Edward Elgar Publishing.
  10. Dhakal, Tika (2023). Negotiation of Treaties in the Void of International Norms: The Case of Nepal - Britain Friendship Treaty 1923. Available at SSRN 4686734.
  11. Dörr, Oliver, and Kirsten Schmalenbach (2018). Vienna convention on the law of treaties. Springer.
  12. Engberg, Jan, & Heller, Dorothee. (2008). Vagueness and indeterminacy in law. *Legal discourse across cultures and systems*, 1, 145.
  13. Gaub, Florence (2022). War of words: Saudi Arabia v Iran. *European Union Institute for Security Studies*

- Nations Human Rights
28. Nouwen, M.H. (2023). Peacemaking, LAW 2023/4 Department of Law, the European University Institute
  29. O'Brien, Killian S., 2011, Refugees On The High Seas: International Refugee Law Solutions To A Law Of The Sea Problem, Goettingen Journal Of International Law 3 (2011) 2, pp. 715 - 732
  30. Pérez - Aznar, Facundo (2017). The use of most - favoured - nation clauses to import substantive treaty provisions in international investment agreements. Journal of International Economic Law, 20 (4), 777 - 805.
  31. Roshchin, Evgeny (2017). Friendship among nations: History of a concept. In Friendship among nations. Manchester University Press.
  32. Seah, Daniel. (2015). The CFSP as an aspect of conducting foreign relations by the United Kingdom: With special reference to the Treaty of Amity & Cooperation in Southeast Asia. International Review of Law, 2015 (1), 1.
  33. Sirait, Yohanes Hermanto, & Permatasari, Ai. (2018). Regulation on Foreign Workers and Principle of Non - Discrimination in ASEAN Economic Community (AEC Religions from the Perspective of International Law: A Descriptive and Analytical Study. International Journal of Islamic Thought, 25, 70 - 77.
  21. Klabbers, Jan (2023). The concept of treaty in international law (Vol. 22). BRILL.
  22. Koh, Harold Hongju (2017). The Trump administration and international law. Washburn Law Journal, 56, 413.
  23. Kolb, Robert (2023). The law of treaties: An introduction. Edward Elgar Publishing.
  24. Lazhar, Labidi (2023). Comments on the International Court of Justice's Jurisdiction: Judgment of 3 February 2021 (Islamic Republic of Iran v. United States). Tobacco Regulatory Science (TRS), 1308 - 1319.
  25. Merrills, John Graham (2017). International dispute settlement. Cambridge university press.
  26. Middleeasteye (2024), "Saudi Arabia says no place for 'political slogans' in Hajj in apparent reference to Gaza", 7 June 2024
  27. Muntarhorn, V., Moolsilpa, P., Wanichsetakul, P., & Malsukhum, V. (2021). Study on the prohibition of incitement to national, racial or religious hatred: Lessons from the Asia Pacific Region. United

- and present, 139 - 180.
40. Zaccara, L., & Mohiddin (2019), W. S. 3. Qatar and Iran: Regional Roles, Risks and Opportunities.
41. Saudi Arabia Reservation, 2003, Saudi Arabia Reservation on Vienna Convention on the Law of Treaties
42. O'Connell, M. E. (2013). The prohibition of the use of force. In Research Handbook on International Conflict and Security Law (pp. 89 - 119). Edward Elgar Publishing.
- based upon Nationality. UIR Law Review, 2 (1), 223 - 234.
34. Tanaka, Yoshifumi. (2018). The peaceful settlement of international disputes. Cambridge University Press.
35. Taran, Patric. A. (2001). Human rights of migrants: Challenges of the new decade. International Migration, 38 (6), 7 - 51.
36. Taumant, Jessica E., 2002, "Rescued At Sea, But Nowhere To Go: The Cloudy Legal Waters Of The Tampa Crisis", Pacific Rim Law & Policy Journal Association, Vol. 11, No 2, Pp, 462 - 496
37. Timmermann, W. K. (2006) Incitement, instigation, hate speech and war propaganda in international law. Teza završnog rada Specijalizacije iz međunarodnog humanitarnog prava, CUDIHI - Centre Universitaire de Droit International Humanitaire.
38. Tzemprin, A., Jozić, J., & Lambare, H. (2015). The Middle East cold war: Iran - Saudi Arabia and the way ahead. Politička misao: časopis za politologiju, 52 (4 - 5), 187 - 202.
39. Van Eijk, Esther (2010). Sharia and national law in Saudi Arabia. Sharia incorporated: A comparative overview of the legal systems of twelve Muslim countries in past